

قراردادهای پیمان کاری در افغانستان؛ عامل توسعه یا منشأ فساد

دکتر عبدالهادی وحید*

سید جاوید نجفی زاده**

چکیده

در تمامی کشورها، یکی از مهم ترین و اساسی ترین وظایف دولت، ارائه خدمات عمومی برای شهروندان است. البته غرض از خدمات عمومی، فعالیت های عام المنفعه ای است که از طریق نهادهای عمومی و یا خصوصی، با هزینه عمومی و تحت نظر دولت ارائه می شود. از ارائه خدمات در حوزه آموزش و پرورش گرفته تا بهداشت و درمان، تأمین اجتماعی، زیرساخت های اقتصادی و آب و برق همه در این شماراند. اگر دولت این وظیفه اش را با معیارهای کارایی و اثربخشی انجام دهد، سبب توسعه کشور گردیده و اگر در انجام درست و مؤثر آن سهل انگاری و کوتاهی کرد، نه تنها سبب توسعه و رفاه نمی گردد که زمینه حیف و میل بیت المال را فراهم کرده و فساد را تقویت نموده و گسترش می بخشد. افغانستان بعد از سقوط رژیم طالبان و حضور پُررنگ و کمک های چشم گیر جامعه جهانی در این کشور فرصت فوق العاده مناسبی برای ارائه چنین خدماتی به شهروندان اش را به دست آورده بود تا نه تنها نیازمندی های ابتدایی مردم را پاسخ دهد، بلکه می توانست با استفاده از منابع فراهم شده و در چوکات قراردادهای تدارکات، پروژه های زیربنایی و بنیادین را جهت ثبات، رفاه و توسعه اقتصادی کشور طرح و اجرا نماید. اما دردمندان، چنین اتفاقی نیفتاد.

واژگان کلیدی: قراردادهای پیمان کاری، خدمات عمومی، توسعه، فساد، تدارکات.

Hadi.vahid@gmail.com

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی Javeed.najafizadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۷ تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۳/۲۸

مقدمه

افغانستان به دلیل نابسامانی‌های چند دهه گذشته‌اش، یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان به لحاظ انکشاف اقتصادی و رفاه اجتماعی دانسته شده^۱ و دولت‌های حاکم قادر به ارائه خدمات عمومی به شهروندان این کشور نبوده است. این وضع نابسامان با تحولاتی که در نخستین سال دهه هشتاد خورشیدی به میان آمد، اندکی سامان یافته و امیدواری مردم به ایجاد تغییرات مثبت در تمامی عرصه‌های زندگی، به ویژه عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، بیش‌تر گردید. تصور و باور عمومی این بود که افغانستان به سمت یک کشور امن، باثبات و مرفه در حرکت است؛ زیرا مساعدت‌های بین‌المللی در راستای بازسازی و آبادانی این کشور به قدری قابل توجه و چشم‌گیر بود که خواه‌ناخواه این برق امید در چشمان مردم روشن می‌گردید که در مسیر توسعه در حرکت‌اند.^۲

هرچند در دهه‌های گذشته، خشونت و فقر دو عامل اساسی و مهم در ویرانی و به قهقرا کشیدن افغانستان دانسته می‌شود؛ اما در کنار این دو عامل، عوامل دیگری نظیر تعصبات قومی، زبانی و مذهبی، انحصارطلبی قدرت سیاسی، کم‌سواد و بی‌سواد قشر عظیم از مردم، سطح پایین فرهنگ هم‌دیگرپذیری و تساهل همه در رقم‌زدن و گسترش نابسامانی‌های گذشته و کم‌وبیش موجود، نقش داشته‌اند.^۳ با تحولات یادشده گمان می‌رفت این پدیده‌ها مهار گردیده و یا حداقل زمینه جولان شان محدود شده باشد. اما با تأسف باید یادآور شد که در کنار پدیده‌های مزبور، پدیده خطرناک‌تر دیگری (فساد اداری) نیز ظهور کرد و آن جرقه امید که در چشم و دل مردم تابیده بود، با گذشت زمان کم‌فروغ گردید و باور مردم به رسیدن به صلح پایدار و رفاه اجتماعی و اقتصادی سست و ضعیف

۱. تحقیق و گزارش مؤسسه پژوهشی «لگاتوم» در مورد رتبه‌بندی کشورهای جهان از نظر شاخص رفاه، ۲۰۱۶. قابل دسترس در سایت دنیای اقتصاد (www.donya-e-eqtesad.com)؛ و گزارش سازمان بررسی شاخص اجتماعی کشورهای جهان در آمریکا نیز افغانستان را به لحاظ توسعه اجتماعی در رتبه‌های آخر نشان می‌دهد. (<http://middleeastpress.com/slideshow/>)؛ و بررسی‌های دیگری نیز که در مورد وضعیت سالمندان، زنان و کودکان در افغانستان انجام پذیرفته است، پایین‌ترین سطح رفاه را نشان می‌دهد.

۲. آمار کمک‌های وعده شده در کنفرانس‌های بین‌المللی لندن، توکیو، بن و ... از طرف کشورهای متعدد جهان برای بازسازی افغانستان امیدواری فوق‌العاده زیادی را برای شکوفایی و پیشرفت کشور نزد شهروندان به‌وجود آورده بود.

3. Nijat, Aarya, Governance in Afghanistan, An Introduction, Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU), Kabul, 2014, page 4.

شد؛ زیرا دولت افغانستان با عدم اتخاذ تصمیم درست و برنامه‌ریزی دقیق، منسجم، معقول و عملی در تمامی زمینه‌ها، که امر نهایت ضروری دانسته می‌شد، نتوانست از امکانات و فرصت پیش‌آمده استفاده مطلوب نماید.^۱ پرسش اساسی این مقاله این است که آیا دولت افغانستان در انجام وظیفه‌اش در راستای ارائه خدمات عمومی، به‌ویژه اجرای پروژه‌های زیربنایی در چارچوب قراردادهای پیمان‌کاری، اسباب توسعه را فراهم نموده یا خوان فساد را گسترانده است؟ از وضعیت موجود چنین به نظر می‌رسد که قراردادهای تدارکات (پیمان‌کاری)، به‌ویژه در حوزه زیربنایی، قبل از این که عامل توسعه باشد، منشأ فساد بوده و منتج به نتیجه مطلوب و قرار دادن کشور در مسیر انکشاف اقتصادی، که رضایت‌مندی شهروندان را در پی داشته باشد، نگردیده است.

۱. مفهوم شناسی

ماده سوم قانون تدارکات افغانستان مصوب ۱۳۹۵/۶/۲۷ به تعریف اصطلاحاتی پرداخته است که در فرآیند تشکیل و اجرای قرارداد تدارکاتی (پیمان‌کاری) مورد استفاده قرار می‌گیرد. تعریف و شناسایی برخی از مهم‌ترین اصطلاحات مزبور در درک درست ما از قراردادهای پیمان‌کاری در افغانستان کمک می‌کند. از این رو، به معرفی پاره‌ای از واژگان مندرج در قانون تدارکات می‌پردازیم.

۱-۱. تدارکات

تدارکات که جمع واژه تدارک است، در لغت به معنای تجهیز، تأمین، تهیه و فراهم‌سازی آمده است.^۲ تعریف اصطلاحی تدارکات از معنای لغوی آن دور نیفتاده و در ساده‌ترین تعریف آمده است که تدارکات عبارت از سفارش دادن و دریافت کالا و خدمات به مناسب‌ترین قیمت و با استفاده از روش مناقصه یا داوطلبی می‌باشد.^۳ به موجب بند ۱ ماده

۱. در کنار کم‌کاری، مصلحت‌اندیشی و عدم ظرفیت کاری دولت افغانستان که موجب عدم استفاده درست از فرصت پیش‌آمده گردید، دخالت‌ها و نقش کشورهای بزرگ کمک‌کننده در این ناکامی را نباید نادیده گرفت. شاهد مدعای ما در این خصوص، هزینه کردن بیش از نصف پول‌های کمک شده در بخش تقویت نیروی‌های امنیتی و به تبع آن تأمین امنیت در افغانستان می‌باشد که متأسفانه با گذشت هر روز شاهد بدتر شدن اوضاع امنیتی در این کشور هستیم.

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، نشر زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ص ۲۳۱.

۳. نادری، عبدالقادر، تهیه و تدارکات، کابل، ۱۳۹۲، وبلاگ شخصی نویسنده.

سوم قانون تدارکات افغانستان، تدارکات عبارت است از «تهیه و فراهم‌سازی اجناس، خدمات و امور ساختمانی و خدمات ضمنی آن‌ها که توسط اداره، مطابق احکام قانون نام‌برده، در بدل وجوه عامه صورت می‌گیرد». به نظر می‌رسد که قانون تدارکات افغانستان، تهیه و فراهم‌سازی اجناس، خدمات و امور ساختمانی که توسط اداره و با وجوه عامه (بیت‌المال) صورت گیرد تدارکات تعریف نموده و اگر چنین اقدامی از جانب اشخاص و نهادهای غیر دولتی و با وجوه شخصی انجام پذیرد، تدارکات تلقی نمی‌شود. ولی از آنجایی که قانون مزبور صرفاً جهت قانون‌مند ساختن تأمین و تجهیز مایحتاج ادارات دولتی و ارائه خدمات عمومی از جانب دولت به مردم وضع گردیده است، تنها تدارکات دولتی را مورد توجه قرار داده و به تدارکات بخش خصوصی نپرداخته است.

۱-۲. اداره

منظور از اداره که در تعریف تدارکات نیز آمده است، وزارت‌خانه‌ها، ریاست‌های عمومی، کمیسیون‌های مستقل دولتی، شاروالی‌ها (شهرداری‌ها)، تصدی‌ها، واحدهای دومی آن‌ها و سایر واحدهایی بودجوی و شرکت‌های دولتی و یا شرکت‌های مختلط می‌باشد.^۱ بنابراین، نهادها، مؤسسات و شرکت‌های خصوصی و غیردولتی از شمول تعریف اداره در قانون تدارکات خارج است و قراردادهای تدارکاتی آن‌ها نیز در جمع پیمان‌های خصوصی و در چارچوب قواعد عمومی قراردادهای و قانون مدنی^۲ قابل مطالعه و بررسی است نه در چارچوب تدارکات دولتی.

۱-۳. قرارداد و قراردادی

واژه قرارداد مترادف با واژه عقد است و عقد در لغت به معنی بستن می‌باشد و در اصطلاح چنان‌که فقره (۱) ماده ۴۹۷ قانون مدنی افغانستان می‌گوید: «عقد عبارت از توافق دو اراده است به ایجاد یا تعدیل یا نقل یا ازاله حق در حدود قانون.» قانون مدنی ایران عقد را چنین

۱. بند ۲۱ ماده سوم قانون تدارکات.

۲. قانون مدنی افغانستان پیمان‌های خصوصی را تحت عنوان «عقد مقاوله» تعریف و احکام‌شان را بیان نموده است. ماده ۱۴۸۱ قانون مدنی عقد مقاوله را چنین تعریف کرده است: «مقاوله عقدیست که به موجب آن یکی از طرفین ساختن چیزی یا اجرای عملی را به صورت مؤقت یا غیر مؤقت برای طرف دیگر در مقابل اجرت تعهد نماید.»

تعریف کرده است: «عقد عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد.»^۱ وجه تناسب تعریف اصطلاحی و معنای لغوی عقد آن است که در اثر انعقاد عقد بین دو نفر، رابطه حقوقی ایجاد می‌شود و آن دو را به یک‌دیگر مرتبط می‌سازد.^۲ ولی منظور از قرارداد در قانون تدارکات، موافقه کتبی است که مطابق احکام قانون اخیرالذکر میان اداره و داوطلب برنده عقد و در آن شرایط و مشخصات مندرج شرط‌نامه و مکلفیت‌های طرفین درج و طی می‌عاد آن نافذ می‌باشد.^۳

قراردادی (پیمان‌کار) عبارت از داوطلب برنده است که قرارداد تدارکات را با اداره مربوط عقد می‌نماید و داوطلب، شخص حقیقی یا حکمی است که خود یا نماینده قانونی وی، با ارائه آفر (پیشنهاد) در داوطلبی (مناقضه‌گزاری) اشتراک می‌کند.^۴

۱-۴. توسعه

توسعه در لغت به معنای بسط یافتن، فراخ کردن، فراخی و ترقی و پیش‌رفت است.^۵ برخی نویسندگان توسعه را به معنای خروج از لفاف ترجمه کرده‌اند و منظور شان از لفاف، جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است.^۶ به نظر می‌رسد این معنای توسعه از جانب صاحب‌نظران نسل اول توسعه مطرح شده است که به باور آن‌ها توسعه عبارت از خروج از جامعه سنتی و رسیدن به تجدد می‌باشد. بعد از جنگ جهانی دوم و در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰، واژه توسعه مترادف با واژه‌های نوسازی، رشد، صنعتی شدن و نظیر این‌ها به کار می‌رفت و گفته می‌توانیم که تا کنون نیز با چنین واژه‌های قرین است، اما برخی مسائل جدیدی دیگری نیز بر آن افزوده شده است مانند سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی دولتی و حکومت‌داری خوب، استفاده از فن‌آوری جدید، مبارزه با فقر و از بین بردن آن، عدم اعمال تبعیض، ارتباطات، آزادی مطبوعات و بیان و آزادی‌های مدنی و سیاسی. توجه به این

۱. ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران.

۲. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، دوره ۶ جلدی، نشر دیجیتالی، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، جلد ۱، ص ۲۲۷.

۳. بند ۱۱ ماده سوم قانون تدارکات.

۴. بندهای ۳ و ۱۴ ماده سوم، همان.

۵. لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه توسعه.

۶. قربانی، احمد، توسعه اقتصادی (جنگ و توسعه نیافتگی در کشورهای اسلامی)، تهران، نشر اندیشه روشن، ۱۳۹۵، ص ۲۰.

مسائل و فراهم نمودن زمینه تطبیق و تحقق آن‌ها جامعه را به سوی توسعه یافتن حرکت می‌دهد و هرگاه تمام این موارد بدون موانع و مشکلات در یک جامعه شکل گرفت و عملیاتی شد، جامعه مزبور در جمع جوامع توسعه یافته قرار خواهد گرفت.

چنانچه گفته شد، یکی از عوامل مهم توسعه و به‌ویژه توسعه اقتصادی در یک جامعه، برنامه‌ریزی دولتی می‌باشد. دولت افغانستان طی یک‌ونیم دهه گذشته در زمینه برنامه‌ریزی دقیق و قابل تطبیق، با ضعف بنیادینی مواجه بوده است که هیچ‌یک از ادارت دولتی نتوانسته‌اند برنامه‌هایی را که سبب توسعه اجتماعی و اقتصادی درازمدت کشور گردد طرح و اجرا نمایند. آن‌چه را در افغانستان اتفاق افتاده است می‌توان مصداق رشد تلقی کرد تا توسعه؛ زیرا رشد، افزایش در اندازه یا تعداد است، اما توسعه افزایش در شایستگی است. بنابراین، رشد لزوماً با افزایش در ارزش (توسعه) توأم نیست. به بیان دیگر، توسعه افزایش ظرفیت‌ها و توانایی‌ها است نه افزایش دست‌آوردها و ازدیاد تولید ناخالص ملی و درآمدهای مالی.^۱

با توجه به برآیند قراردادهای تدارکاتی (پیمان‌کاری) در افغانستان و آن‌چه که از جانب دولت در این خصوص گزارش داده می‌شود، صرفاً آمار و ارقامی است که نشان‌گر رشد کمی امور می‌باشد نه توسعه اقتصادی و اجتماعی، مانند اعمار صدها مکتب (مدرسه)، ده‌ها شفاخانه (بیمارستان)، هزاران کیلومتر سرک (جاده) و غیره که همه بیان‌گر رشد کمی است و نقش و تأثیر آن در رسیدن به توسعه پایدار محسوس و ملموس نبوده است.^۲

۱-۵. فساد اداری

در واژه‌نامه‌های فارسی، فساد به معنای تباه‌شدن، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری و نابودی و پوسیدگی آمده است.^۳ همین معنا در تعریف اصطلاحی فساد نیز رسوخ نموده و در مشهورترین تعریف آن آمده است: «فساد عبارت است از استفاده از موقعیت و قدرت دولتی برای رسیدن به منافع شخصی.»^۴ بنابر این تعریف، در نظامی که مقامات و مأموران دولت

۱. ایکاف، راسل، تفاوت میان رشد و توسعه، مجله تدبیر، شماره ۱۶۶، اسفند ۱۳۸۴، ص ۷۰.

۲. در استراتژی انکشاف ملی افغانستان، ۱۳۹۱-۱۳۸۷ در تمامی بخش‌ها شاهد رشد آماری هستیم نه رشد کیفی (توسعه). همان رشد آماری که در سند مزبور پیش‌بینی شده است نیز محقق نگردیده است.

۳. لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ فارسی معین و فرهنگ فارسی عمید، ذیل واژه فساد.

۴. فاضلی، محمد، مقدمه‌ای بر سنجش فساد، تهران، معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۲۲.

می‌توانند بخش چشم‌گیری از پول و تسهیلات دولت را اختلاس، خویش‌خوری، اعمال نفوذ و رابطه‌سالاری به خود اختصاص دهند و ثروت‌مند شوند؛ می‌توانند از پیمان‌کارانی که مایل به انجام معاملات با دولت‌اند، در مقابل تأمین قراردادهای و ترتیبات دیگر میان دولت و پیمان‌کاران و شرکت‌های ذی‌نفع، با نقض قانون و طرز‌العمل تدارکات و قربانی کردن منافع عمومی جهت تأمین منفعت شخصی خویش، مبالغی زیادی نیز اخاذی کنند و رشوه بگیرند، و این به معنای تباہ کردن جامعه و ظلم و ستم بر شهروندان و ایجاد مانع در راه توسعه کشور دانسته می‌شود.

در ازای تاریخ، همواره ارتباط معکوسی بین استفاده درست و مطلوب از قدرت و قلمرو گسترش فساد وجود داشته است، بدین معنا که هرگاه از قدرت به‌طور صحیح و مطلوب استفاده شده، فساد کاهش یافته است و بالعکس هرگاه قدرت درست و مؤثر استفاده و به‌کار گرفته نشده است، فساد فربه گردیده است^۱

در قراردادهای تدارکات (پیمان‌کاری) دولت افغانستان، گستره فساد به قدری گسترش یافته است که پیش‌گیری و مهار آن خارج از توان دولت می‌نماید. هرچند تصور می‌شود که نبود اراده سیاسی جدی در امر مبارزه با فساد، عامل اصلی تداوم و گسترش روزافزون آن می‌باشد، اما با دقت و تأمل بیش‌تر در عوامل و اسباب فساد در این کشور، می‌توان چنین گفت که ریشه‌های این پدیده عمیق‌تر از آن است که دولتی با ویژگی‌های دولت افغانستان که از یک طرف درگیر جنگ با تروریسم و طالبان است و از جانب دیگر از ضعف شدید ساختاری، مداخلات خارجی و اعمال نفوذ زورمندان محلی رنج می‌برد، بتواند به راحتی با آن مبارزه کند.^۲

۲. کمک‌های جامعه جهانی برای بازسازی و توسعه افغانستان پسا طالبان

پس از سقوط رژیم طالبان در افغانستان در سال ۱۳۸۰ و با تشکیل کنفرانس بن جهت ایجاد اداره مؤقت، استقرار نیروهای حافظ صلح و تصویب قانون اساسی در این کشور، جامعه جهانی متعهد به کمک‌های بلاعوض هنگفتی برای تأمین امنیت و بازسازی

۱. فرج‌پور، مجید، فقر، فساد و تبعیض موانع توسعه در ایران، تهران، نشر رسا، ۱۳۸۳، ص ۳.

۲. دانش، ضیا، موانع مبارزه با فساد اداری در افغانستان، ۱۳۹۲، قابل دست‌رس در:

(<http://www.payam-aftab.com/fa/doc/article/25135/>)

افغانستان گردیدند که طی یک دهه (۱۳۸۰ الی ۱۳۹۰) رقم این کمک‌ها بالغ بر هشتاد و پنج میلیارد دلار محاسبه شده است. البته باید یادآور شد که مبلغ مزبور تمامی وجوه تعهد شده را در بر می‌گیرد که از این رقم مبلغ پنجاه و هفت الی هفتاد میلیارد آن پرداخت گردیده است.^۱

بر بنیاد اطلاعات وزارت مالیه افغانستان، بیش از نصف کمک‌های یاد شده (۵۱٪) در بخش امنیت و متباقی آن در سایر عرصه‌ها نظیر ایجاد زیربناها و تقویت نظام کشاورزی و غیره هزینه گردیده است.^۲ این رقم در واقع مبلغی هنگفت و چشم‌گیری است که اگر در قسمت مصرف آن با برنامه‌ریزی دقیق‌تر و توجه بیش‌تر کار صورت می‌گرفت مطمئناً وضعیت امنیتی و زیربنای اقتصادی و کشاورزی، از آنچه امروز شاهد آن هستیم، به مراتب بهتر و قوی‌تر و پیشرفته‌تر می‌بود. از جانب دیگر، برنامه‌ریزی درست و دقیق دولت افغانستان در راستای مصرف پول‌های کمک شده، می‌توانست بخش بزرگی از بی‌کاری را که مایه ناامنی و بی‌ثباتی کشور دانسته می‌شود تا حد ممکن حل کند. اما با گذشت بیش یک و نیم دهه از آغاز روند سرازیر شدن حجم عظیمی از کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان، هنوز هم شاهد بی‌کاری تعداد کثیری از شهروندان این کشور هستیم که این افراد چاره‌ای جز پیوستن به صفوف مخالفین مسلح دولت و یا مهاجرت و ترک وطن را ندارند و راه‌حلی برای معضل بی‌کاری و عدم اشتغال شان نمی‌یابند.^۳

هرچند وزارت اقتصاد افغانستان در نخستین گزارش خویش تحت عنوان «ارزیابی اشتغال‌زایی پروژه‌های انکشافی» که در اواخر سال ۱۳۹۵ به‌نشر رسید، از تلاش دولت افغانستان در زمینه ایجاد کار و اشتغال برای شهروندان کشور سخن گفته است و مدعی اشتغال‌زایی در پروژه‌های انکشافی برای شهروندان گردیده است، اما اذعان نموده است که عدم موجودیت آمار و ارقام در وزارت‌خانه‌ها و ادارات دولتی، از رقم دقیق تعداد شغل‌های ایجاد شده توسط پروژه‌های انکشافی و میزان اشتغال شهروندان کشور در آن‌ها، معلومات

۱. وزارت مالیه، گزارش همکاری‌های انکشافی برای افغانستان، ۱۳۹۱، ص ۷؛ و شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، نگاهی به تاریخچه کمک‌ها در افغانستان، ۱۳۹۰.

۲. وب‌سایت رسمی وزارت مالیه جمهوری اسلامی افغانستان.

۳. طبق آمار وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان افغانستان، رقم مهاجرین این کشور به ۵/۶ میلیون می‌رسد که بالغ بر چهار میلیون آن در جمهوری اسلامی ایران و پاکستان به سر می‌برند و یک و نیم میلیون دیگر آن در سایر کشورهای جهان.

مؤثقی در دست نیست.^۱ گزارش مزبور که ایجاد اشتغال را یکی از راه‌های جلب رضایت شهروندان و نیز عامل رشد اقتصادی در کشور می‌داند، اما روند هزینه و مصرف کمک‌های بی‌سابقه جامعه جهانی به افغانستان را در راستای اشتغال‌زایی و بهبود زندگی شهروندان و به‌ویژه کارگران، رضایت‌بخش نمی‌داند.^۲

با وجود کمک‌های فراوان و قابل ملاحظه جامعه جهانی به افغانستان که رقم آن در آخرین گزارش‌ها بالغ بر ۱۱۹ میلیارد دلار ذکر شده است،^۳ اما نکته قابل تأمل و در عین حال نگران‌کننده این است که در گزارش انکشاف بشری سال ۲۰۱۵ برنامه انکشافی سازمان ملل متحد، افغانستان در میان ۱۸۸ کشور انکشاف نیافته یا کم انکشاف یافته (فقیر) جهان، در رده ۱۷۱ قرار گرفته است.^۴ این جایگاه بیان‌گر این است که بیش از صد میلیارد دلار کمک‌های جامعه جهانی به این کشور که می‌توانست افغانستان کاملاً جدیدی بسازد و این کشور را به مدرن‌ترین مکان دنیا بدل کند، به درستی هزینه نگردیده و مورد حیف و میل ناشیانه‌ای قرار گرفته است. اکنون که کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان کاهش یافته و از کمک‌های چشم‌گیر یک‌ونیم دهه گذشته استفاده بهینه صورت نگرفته است، دولت افغانستان نگران اوضاع امنیتی، اقتصادی و سیاسی در این کشور می‌باشد.

بر اساس سنجش‌هایی که از وضعیت معیشتی در افغانستان انجام یافته است، نزدیک به ۳۹/۱ درصد جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. نرخ بی‌کاری در این کشور قریب به ۲۲ درصد بوده که در میان جوانان این رقم به ۳۰ درصد می‌رسد.^۵ خلاصه این‌که با سرازیر شدن سیل عظیمی از کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان، این کشور نه‌تنها در مسیر توسعه قرار نگرفت بلکه با گذشت هر روز اوضاع اقتصادی و اجتماعی سیر نزولی را می‌پیماید و امنیت نیم‌بند اوایل دهه هشتاد روز به‌روز شکننده‌تر و ناچورتر شده است.

۱. وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان، ریاست پالیسی کار و ارتقای ظرفیت قوای بشری، گزارش ارزیابی اشتغال‌زایی پروژه‌های انکشافی، ۱۳۹۵، ص ۱.

۲. همان، ص ۲.

۳. وزارت مالیه، گزارش همکاری‌های انکشافی برای افغانستان، کابل، ۱۳۹۱.

۴. گزارش توسعه انسانی برنامه انکشافی ملل متحد، ۲۰۱۵.

۵. وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین، جمهوری اسلامی افغانستان، مسوده پالیسی ملی کار، کابل، ۱۳۹۵.

۳. قراردادهای تدارکات (پیمان کاری) دستگاه‌های اجرایی

تمامی دستگاه‌های اجرایی دولت افغانستان از بودجه عادی و انکشافی برخوردارند که این بودجه را باید مطابق برنامه‌های اولویت‌بندی شده در زمان مقرر و با کسب نتایج مطلوب به مصرف برسانند. ولی ارزیابی‌های انجام شده نشان می‌دهد که هیچ‌یک از دستگاه‌های اجرایی بودجه انکشافی خود را یا به صورت کامل به مصرف نرسانده^۱ و یا اگر به مصرف هم رسانده باشد، نتایج حاصل از آن مطلوب جامعه و در راستای اولویت‌ها نبوده است.^۲ متأسفانه باید خاطر نشان ساخت که ارزیابی از اولویت داشتن و مطلوب و مفید بودن پروژه‌های انکشافی اجرا شده توسط دستگاه‌های اجرایی با پیمان‌کاران‌شان چندان مورد توجه ناظرین به‌ویژه پارلمان افغانستان نبوده و تمام تأکید دستگاه‌های اجرایی و ناظرین عمومی صرفاً بر مصرف بودجه متمرکز است، و این‌که بودجه مذکور چگونه و در کدام موارد هزینه می‌شود خیلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. به همین دلیل است که هر چند بودجه به‌طور کامل نیز به مصرف رسیده باشد، ولی گره از مشکلات چون فقر و بیکاری و سایر مسائل زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه باز نمی‌کند و وضعیت زندگی به‌همان شکل قبلی ادامه می‌یابد.^۳

۳-۱. قراردادهای تدارکات وزارت دفاع ملی و وزارت امور داخله (کشور)

وزارت دفاع ملی و وزارت داخله (کشور) افغانستان بیش از نصف کمک‌های جامعه جهانی را بنابر ترجیح امنیت نسبت به هر امری دیگر در کشور، به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس گزارش بازرس ویژه ایالات متحده امریکا برای بازسازی افغانستان،^۴ با آن‌که در بودجه تأمین امنیت و برقراری صلح در افغانستان از سال ۲۰۰۱م تا ۲۰۱۷م، تغییراتی ایجاد گردیده است، با آن‌هم در رأس تمامی بخش‌ها قرار داشته است و جز در بودجه اصلی سال مالی

۱. وزارت اقتصاد، گزارش چگونگی تطبیق پروژه‌های انکشافی در سطح کشور، کابل، ۱۳۹۴، صص ۴ و ۵.
 ۲. طبق ارزیابی وزارت مالیه افغانستان، عمده‌ترین عامل که باعث عدم مصرف بودجه انکشافی و تطبیق پروژه‌های زیربنایی، نبود ظرفیت و توانایی‌های کاری و عم نظارت دقیق از طرف ارگان‌های ذی‌ربط است. بنابراین، وزارت‌خانه‌ها سعی می‌کنند تا پروژه‌هایی را اجرا کنند که از لحاظ کاری آسان و به لحاظ بودجوی هزینه‌بر باشد. (<http://dari.trib.com/component/k2/item/4>) و روزنامه افغانستان، ۱۳۹۱/۹/۲۳
 ۳. به گفته محمد اشرف غنی رئیس‌جمهور افغانستان، عدم مصرف بودجه انکشافی ناشی از بی‌کفایتی و نبود ظرفیت معقول در وزارت‌خانه‌ها است. به باور وی، وزیرانی که بودجه انکشافی شان را مصرف کرده نمی‌توانند، مانع توسعه همه جانبه افغانستان می‌شود. ۱۳۹۵/۸/۲۰ قابل دسترس در: (<http://parstoday.com/dari/news/uncategorised-i15001>)

4. SIGAR (Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction)

۲۰۰۲م که در مرتبه دوم بعد از بودجه بخش مساعدت بشری قرار گرفته است، در بقیه سال‌ها بیش‌ترین بودجه در سکتور امنیتی هزینه شده است.^۱

تردید وجود ندارد که قسمت اعظم این بودجه هنگفت امنیت و صلح (وزارت‌خانه‌های دفاع ملی و داخلی) در بخش حقوق و تدارکات نیروهای دفاعی و امنیتی هزینه گردیده است؛ اما شفافیت و حساب‌دهی در این تدارکات وجود نداشته است. به نظر می‌رسد، آمار و ارقامی که از میزان مصرف بودجه ارائه می‌گردد، با آن‌که همه‌ای بودجه را شامل نمی‌شود، با آن‌هم، با توجه به قیمت‌های اجناس و لوازم و امور ساختمانی و مشورتی، غیرواقعی بوده و تا حد ممکن تلاش می‌شود که بالاترین قیمت درج‌گردد تا از یک جهت میزان مصرف بودجه را بالا نشان دهد و از جانب دیگر حیف‌ومیل‌های که از بودجه مذکور توسط مقامات اداری صورت گرفته است، تحت پوشش قرار گیرد. شاهد مدعی ما در این مورد، قرارداد بزرگ تدارکات مواد سوخت وزارت دفاع ملی افغانستان است که در آن فساد گسترده‌ای وجود داشته که موجب حیف‌ومیل بیش از صد میلیون دلار شده است. این امر سبب شد که رئیس‌جمهور غنی در نخستین اقدام، پیمان‌های تدارکاتی وزارت دفاع ملی را به حالت تعلیق درآورد و کارمندان آن بخش را ممنوع‌الخروج کند.^۲

قرارداد مزبور به‌طور گسترده و صریح قانون تدارکات و طرز‌العمل تدارکات را نقض کرده بود؛ زیرا از یک جهت تبانی میان پیمان‌کاران با هم و از جانب دیگر تبانی میان پیمان‌کاران و اداره شکل گرفته بود که این امر به شدت در قانون و طرز‌العمل تدارکات منع گردیده است.^۳

هیأت ارزیابی پیمان‌های وزارت دفاع ملی بعد از بررسی همه‌جانبه پیمان‌های مزبور به این نتیجه دست یافتند که داوطلبان پیش‌تاز در سازش با هم‌دیگر و در تبانی با مقام‌های عالی‌رتبه وزارت دفاع ملی، اداره خدمات بازسازی و توسعه‌ای افغانستان که مسؤول نظارت بر پیمان سوخت‌بار وزارت دفاع ملی بوده و نیز کمیسیون ویژه تدارکات، پیمان‌تأمین سوخت‌بار وزارت‌خانه مذکور را اضافه از صد میلیون دلار بیش‌تر از نرخ روز محاسبه و امضاء کرده‌اند.^۴ چنین اقدام خلاف قانون، نه‌تنها سبب انکشاف و پیش‌رفت کشور نگردیده،

۱. گزارش ربع‌وار سرمفتش ویژه ایالات متحده آمریکا برای بازسازی افغانستان، ۳۰/۱۰/۲۰۰۸، صص ۲۵-۲۲.

۲. به نقل از سایت خبری بی‌بی‌سی فارسی، ۱ فوریه ۲۰۱۵.

۳. بند ۳ فقره (۱) ماده ۴۸ قانون تدارکات افغانستان، مصوب ۱۳۹۵، و بند ۳ فقره (۲) حکم ۱۱۳ طرز‌العمل تدارکات، ۱۳۹۵.

۴. گزارش هیأت بررسی قراردادهای تدارکاتی وزارت دفاع ملی، ۱۳۹۴/۱/۲۰، نشر شده در شبکه خبری طلوع.

بلکه بلعیدن مبلغی به این بزرگی از سرمایه ملی و پول بیت‌المال، اوج فساد مالی را در دستگاه‌های اجرایی دولت نشان می‌دهد. گذشته از این، آنچه مایه نگرانی بوده و یا به بیان بهتر، دل‌واپسی شهروندان را در خصوص فساد گسترده اداری و مالی افزایش می‌دهد، عدم رسیدگی به پرونده‌های فساد در قراردادهای تدارکاتی است که نه تنها هیچ توجهی در این زمینه نمی‌شود، بلکه مقامات آلوده به فساد کماکان در موقف‌های بلند دولتی مشغول به کارند.^۱ بنابراین، می‌توان گفت وقتی فساد به یک فرهنگ تبدیل شد، دیگر کسی به زشتی و نادرستی کارش نمی‌اندیشد؛^۲ زیرا از یک سو می‌بیند که همه آغشته به فساداند و تمامی عمل کرد شان با فساد اجین گشته است و از جانب دیگر از او نیز می‌خواهد که مانند آنان فساد پیشه کند.^۳

قراردادهای تدارکاتی در وزارت امور داخله (کشور) افغانستان وضعیت به مراتب بدتری از قراردادهای وزارت دفاع ملی دارد. مهم‌ترین موردی که باعث عدم تطبیق درست قراردادهای در این وزارت‌خانه و سایر نهادها نیز می‌گردد، انتقال یا واگذاری قرارداد از جانب قراردادی (پیمان‌کار) اصلی و نخست به پیمان‌کار دوم و از دوم به سوم است که هم مخالف صریح قانون و طرزالعمل تدارکات^۴ است و هم سبب پایین آمدن کیفیت اجناس و خدمات می‌گردد.^۵ بر اساس اظهارات معاون ارشد امنیتی وزارت امور داخله (کشور)، در قرارداد تهیه مواد غذایی برای پرسنل پولیس در مرکز و ولایات، یک قرص نان به قیمت دو افغانی^۶ قرارداد شده است در حالی که قیمت یک قرص نان در بازار حداقل ده افغانی می‌باشد.

۱. نمونه بارز این مورد وزیر معارف و وزیر دفاع اسبق می‌باشند.

۲. افضل‌علی، عبدالرحمن، فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون‌رفت، مجله حقوقی بین‌المللی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۴۵، ص ۲۳۶.

۳. رفیع پور، فرامرز، سرطان اجتماعی فساد، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۴۹.

۴. ماده ۳۶ قانون تدارکات بیان می‌دارد: «(۱) قراردادی (پیمان‌کار) می‌تواند بخش از قرارداد را به قراردادی (پیمان‌کار) فرعی واگذار نماید، مشروط بر این که: ۱- واگذاری قرارداد فرعی در شرط‌نامه پیش‌بینی و در قرارداد اصلی تعیین شده باشد؛ ۲- موافقه کتبی اداره در مورد کسب شده باشد؛ ۳- قرارداد فرعی در مغایرت با قرارداد فرعی نباشد. در فقره (۱) حکم ۱۰۵ طرزالعمل تدارکات نیز آمده است: «قراردادی می‌تواند با رعایت شروط ماده ۳۶ قانون تدارکات بعد از حصول موافقه کتبی اداره، الی ۲۰ درصد قیمت مجموعی قرارداد را به قراردادی فرعی واگذار کند.»

۵. مرادعلی مراد معین ارشد امنیتی وزارت امور داخله / کشور افغانستان، فساد در قراردادهای تدارکات مواد خوراکی و چند دست شدن قراردادها را مشکل عمده در این بخش خوانده است. ۲۸ اکتبر ۲۰۱۷، قابل دسترس در: (<http://moi.gov.af/fa/news/69007>).

۶. واحد پول افغانستان «افغانی» است.

هیمن‌طور یک عدد تخم مرغ نیز به قیمت دو افغانی از جانب قراردادی (پیمان‌کار) پیشنهاد شده است که پایین‌ترین قیمت را نشان می‌دهد و هیچ‌گاهی توسط هیأت کنترل و تفتیش، نظارت نشده است. علاوه بر این نرخ نهایت پایین و ناچیز، پیمان‌کار مزبور قرارداد تهیه و تدارک مواد غذایی پولیس را در بیست‌وهشت ولایت کشور با وزارت مزبور منعقد نموده است و این اوج فساد را در قراردادهای ذکرشده نشان می‌دهد.^۱

۳-۲. قراردادهای تدارکات وزارت معارف (آموزش و پرورش)

وزارت معارف (آموزش و پرورش) یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین وزارت‌خانه در جمع نهاد‌های دولتی است که وظیفه و مسؤولیت اساسی و سنگینی را به عهده دارد که همانا آموزش و تربیت فرزندان و نونهالان کشور می‌باشد. یکی از مشکلات و نابه‌سامانی‌هایی که دولت افغانستان با آن مواجه است، نبود و یا حداقل کم‌بود نیروی انسانی تحصیل کرده متخصص است که تمامی نهاد‌های دولتی و غیردولتی از آن متأثر است. وزارت معارف و تحصیلات عالی این نیازمندی مبرم و ضروری را باید تا حد امکان مورد توجه قرار داده و در حد توان حل نمایند.

وزارت معارف افغانستان برای برداشتن موانع سد راه معارف و توسعه آموزش و پرورش، همه ساله بودجه قابل ملاحظه‌ای در اختیار دارد، اما با توجه به مشکل قبلاً یاد شده (نبود و یا کم‌بود نیروی متخصص) در وزارت‌خانه مزبور، از بودجه تصویب شده برای این نهاد استفاده بهینه صورت نمی‌گیرد و قسمت زیاد آن در پروژه‌های هزینه می‌شود که مؤثریت و کارایی چندانی ندارد. هم‌چنان فساد در قراردادهای تدارکاتی این وزارت‌خانه عامل دیگر به ثمر نرسیدن پروژه‌های این نهاد می‌باشد، چنان‌چه در آماردهی خلاف واقع در قراردادهای پیمان‌کاری این وزارت به‌طور چشم‌گیری مشاهده می‌شود که تا چه حدی فساد نفوذ کرده است.^۲

در قراردادهای پیمان‌کاری این وزارت در حوزه ساخت و ساز مکاتب، چاپ کتب درسی، تهیه و تدارک تجهیزات مورد ضرورت و حتی در توزیع حقوق معلمان مکاتب (مدارس) میلیاردها افغانی مورد اختلاس و حیف‌ومیل قرار گرفته است. گزارش هیأت

۱. سخن‌رانی جنرال مرادعلی مراد، معاون ارشد امنیتی وزارت امور داخله (کشور) در جمع مقامات و افسران وزارت مزبور.

۲. آمار و ارقام خیالی در گزارش‌های وزارت معارف در مورد حقوق معلمان و بودجه مکاتب، اقتضاح و لکه‌نگی بر دامان وزیر پیشین این وزارت می‌باشد که در اکثر رسانه‌های ملی و بین‌المللی نشر شد.

حقیقت‌یاب که به دستور رئیس‌جمهور اشرف غنی به این کار گماشته شد، نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ میلیون‌ها دلار از پول‌های کمک شده به وزارت معارف از جانب کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و حتی از بودجه دولتی این وزارت اختلاس شده است. این گزارش از تعداد مکاتب و آموزگاران خیالی سخن می‌گوید که اصلاً وجود فزیک‌ی نداشته‌اند اما بودجه آن توسط وزارت معارف به ناحق گزارش داده شده و مورد حیف‌ومیل قرار گرفته است.^۱

قراردادهای پیمان‌کاری ساخت‌وساز وزارت معارف نیز با اشکالات عمده حقوقی و قانونی مواجه است که سبب ضیاع بیت‌المال گردیده و دست‌آورد قابل ملاحظه در انکشاف معارف از آن‌ها حاصل نشده است. بر بنیاد گزارش هیأت حقیقت‌یاب، این وزارت بدون طی مراحل قانونی و استفاده از داوطلبی باز برای سپردن قراردادهای پیمان‌کاران واجد شرایط، به میل و سلیقه خود این قراردادهای را واگذار کرده است و علاوه بر آن میلیون‌ها دلار نیز به پیمان‌کاران پیش‌پرداخت نموده است. با این حال، دست‌کم نیمی از این پروژه‌های عمرانی که شامل ۱۴۶۹ باب مکتب (مدرسه) می‌گردد، بدون کدام دلیل قانونی، یا نیمه‌کاره باقی مانده است و یا کلاً تعطیل گردیده است، در حالی که هزینه پروژه‌ها قسماً و یا حتی کلاً پرداخت شده است.^۲

ملاحظه می‌گردد که در قراردادهای تدارکاتی این دو وزارت‌خانه که به‌عنوان نمونه یادآوری شد، تشکیل و اجرای قراردادهای بر اساس قانون و طرز‌العمل تدارکات افغانستان صورت نپذیرفته و هیچ‌گونه پاسخ‌گویی و مسؤولیت‌پذیری نیز در این خصوص وجود ندارد. نتیجه این امر را می‌توان چنین داوری نمود که مقامات عالی‌رتبه دولتی به‌علت مسؤولیت و صلاحیت اداری و مالی‌شان، عاملین اصلی و درجه یک این حیف‌ومیل‌ها دانسته شده و باید در برابر مردم پاسخگو باشند؛ زیرا از یک جهت پول بیت‌المال را ضایع نموده‌اند و از جانب دیگر مانع توسعه و پیش‌رفت کشور گردیده‌اند.

۱. ملک‌نژاد، ابوذر، مرکز خبرنگاری تحقیقی پیک، ۱۳۹۶/۱/۲۱، با استناد به گزارش هیأت حقیقت‌یاب فساد در وزارت مارف بین سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۳.

۲. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری، گزارش ارزیابی فساد در وزارت معارف، کابل، ۱۳۹۶، قابل دست‌رس در: (<http://archive.pajhwok.com/dr/2017/10/26>)

۴. اقتصاد بازار و نقش آن در گسترش فساد در افغانستان

دولت افغانستان بر اساس قانون اساسی جدید این کشور، خود را ملزم به حمایت از نظام اقتصادی بازار نموده است^۱ که به نظر می‌رسد در شرایط آشفته و نابسامان این کشور، پیروی از چنین نظامی در حوزه اقتصادی عاقلانه نمی‌باشد؛ زیرا اقتصاد بازار بدون وجود دولت مقتدر و ناظر، نهاد بی‌رحم و ویران‌گر است. گسترش یا تداوم رقابت سالم به هیچ‌وجه در ذات بازارهای آزاد دیده نمی‌شود. برعکس، بازارهای آزاد بنا بر گفته آدام اسمیت، علیه بخش دولتی توطئه می‌کند.^۲

با وجود آن‌که دولت افغانستان مبتنی بر قانون اساسی، خویش را متعهد بر پذیرش و حمایت از اقتصاد بازار کرده است، اما به نظر می‌رسد برای ترویج توسعه و انکشاف معطوف به اقتصاد بازار و کاهش پیامدهای منفی ناشی از نارسایی‌های بازار، به تدوین سیاست‌ها و مقررات حقوقی و منابع عمومی نیاز دارد. یکی از نقش‌های کلیدی دولت در این راستا، تأمین خدمات و کالاهای عمومی لازم برای دستیابی به رشد پایدار و کاهش فقر است. ولی اگر دولت این نقش مهم و کلیدی خویش را نیز به بهانه اقتصاد بازار به شرکت‌های خصوصی واگذار کند، و حتی از این نیز فراتر رفته و تدارکات مورد نیاز خود را نیز خود تأمین نکرده و طبق قرارداد به پیمان‌کاران بخش خصوصی واگذار کند، در چنین حالتی که دولت نوپای افغانستان از اقتدار کافی برای نظارت نیز برخوردار نمی‌باشد، دامنه فساد گسترش یافته و منابع عمومی مورد حیف و میل قرار می‌گیرد. بنابراین، لازم است تا دولت افغانستان ساختارهای سیاست‌گذاری مؤثر و موافق با بازار جهت کنترل و تنظیم آن ایجاد کند. اما متأسفانه ملاحظه می‌شود که دولت مزبور به مقررات و ضوابطی که بتواند وضعیت اقتصادی را به سمت انکشاف و شکوفایی سوق دهد، زیرساخت‌ها اعمار و اعاده گردد، و بخش مالی و محیط زیست به درستی نظارت و کنترل شود، توجه کافی نکرده است. بر علاوه، در بسیاری از بخش‌های تدارکاتی، مقدار، ترکیب و سمت و سوی هزینه‌های عمومی در خدمت تأمین منافع قدرت‌مندان ذی‌نفوذ بوده است که این امر اکثراً به کاهش سرمایه‌گذاری در عرصه سرمایه انسانی منجر شده و نتایج آن به اکثریت فقیر جامعه

۱. ماده ۱۰ قانون اساسی افغانستان مقرر کرده است: «دولت، سرمایه‌گذاری‌ها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن‌ها را تضمین می‌نماید.»

۲. میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر، حکم‌رانی خوب بنیان توسعه، تهران، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۸.

افغانستان آسیب می‌رساند و انکشاف اقتصادی را به کندی مواجه می‌کند. هم‌چنین تأمین منافع گروه‌های ذی‌نفع و سردمداران حکومت غالباً به اتخاذ سیاست‌های ضد رقابتی و انحصارگری انجامیده است.^۱

افغانستان در شرایط فعلی به یک دولت قانون‌مدار، کارشناس، مقتدر و آگاه نیاز دارد که فراتر از تضاد منافع میان گروه‌ها و احزاب عمل نموده و موجب تقویت منافع و خیر عامه شود. در حالی که دولت کنونی مجموعه از افرادی هستند که تصمیم‌گیری‌های اداری آن‌ها (مانند خرید و فروش کالا) در جهت حداکثر کردن سود شخصی است که به همین دلیل به جرم فساد تبدیل شده و شهره جهان گردیده است.^۲ علل عمده فساد اداری و مالی در افغانستان به‌ویژه در بخش پیمان‌های دولتی، عبارت‌اند از چارچوب حقوقی و مقرراتی ضعیف، خویش‌خوری و نبود شایسته‌سالاری، تسلط رابطه‌ها بر ضابطه‌ها، سیاست‌های اقتصادی بد (بازار آزاد) و عدم توجه به حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی. مبارزه با این عوامل و رفع آن‌ها کار سخت و زمان‌گیر است که شاید نتوان به سرعت و سهولت به آن دست یافت. برای مبارزه با فساد در افغانستان، به شفافیت، نظام مردم‌سالار و پاسخ‌گو، آزادی‌های مدنی و نظارت و مشارکت قوی دولت و جامعه مدنی بر بخش اقتصادی و به‌ویژه قراردادهای تدارکات دولتی نیاز است؛ زیرا برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و نتایج توسعه‌ای بهتر، نیاز است تا تعامل میان دولت، بازارها، سازمان‌ها و جامعه مدنی به بهترین شکل برقرار گردد.^۳

نظام اقتصاد بازار زمانی در افغانستان به رسمیت شناخته شد که زمینه‌ها و بسترهای مناسب برای اجرای آن در این کشور فراهم نبود. نظام اقتصادی مزبور زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که بازار ملی در کشور وجود داشته باشد و تفاوت‌های عمیق فرهنگی و سنتی در جامعه وجود نداشته باشد. اما دیده می‌شد که در افغانستان چنین شرایطی مهیا نبود و تا کنون هم نیست. ضعف دولت در نظارت بر این نظام مشکل را بیش‌تر ساخته است که در نهایت پذیرش و تطبیق نظام اقتصاد بازار قبل از این‌که به نفع دولت و ملت باشد، به نفع

۱. گزارش تحقیقی شش‌ونیم طلوع نیوز در مورد قراردادهای تدارکات.

۲. گزارش‌های سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل حاکی از این است که افغانستان در جمع فاسدترین کشورهای جهان قرار دارد. البته گاهی وضعیت بهتری را نیز شاهد می‌باشم. چنان‌چه در گزارش سال ۲۰۱۶ سازمان مزبور افغانستان در جایگاه هشتم قرار دارد، در حالی که در گزارش سال ۲۰۱۵ سازمان شفافیت بین‌الملل، افغانستان در مقام سومین کشور فاسد جهان قرار داشت. به نقل از سایت‌های خبری طلوع نیوز و یورو نیوز.

۳. وزارت اقتصاد، گزارش نهایی تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان، کابل، ۱۳۹۳، ص ۳۲.

تعداد محدود از شرکت‌های پیمان‌کار و سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران گردید و نه تنها فقر و بیکاری را کاهش نبخشید بلکه سبب گسترش این پدیده‌ها شد و شکاف طبقاتی را بی‌نهایت گسترده و عمیق کرد.^۱

۵. نقش حکومت‌داری خوب^۲ و حاکمیت قانون^۳ در توسعه اقتصادی و مبارزه با فساد در افغانستان

به هیچ عنوان نمی‌توان اهمیت حاکمیت قانون و حکومت‌داری خوب را برای رشد و توسعه اقتصادی در افغانستان دست‌کم گرفت. آن‌چه که برای دستیابی به رفاه پایدار و ریشه‌کنی فقر در این کشور لازم و ضرور است، دولت کارآمد و شفاف است که در چارچوب آزادی‌های مدنی و حاکمیت قانون عمل کند. دولت‌مردان افغانستان باید نسبت به حکومت‌داری و فساد دیدگاه یک‌پارچه اتخاذ نمایند؛ زیرا فساد نوعی عارضه ناشی از ضعف بنیادین دولت به‌شمار می‌آید، نه سرنوشت مقدر مردم از جانب خدا. بنابراین، یک حکومت قانون‌مدار و توان‌مند با نهادهای دولتی شایسته و شفاف، پیوند مستقیم با رشد درآمدها، افزایش ثروت ملی و دست‌آوردهای اجتماعی دارد. در کشورهایی که نهادهای دولتی کارآمد، درست‌کار، صادق و مبتنی بر شایسته‌سالاری هستند، قوانین و مقررات ساده و روشن‌اند، حاکمیت قانون به گونه‌ای منصفانه اعمال می‌شود، سیاست‌ها و چارچوب‌های قانونی در تصرف و انحصار گروه‌های ذی‌نفوذ نیست، جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی صدای مستقلی دارند که پاسخ‌گویی دولت را ارتقاء می‌دهد، سرمایه‌گذاری‌ها، درآمدها و رشد افزایش می‌یابد و امید به زندگی مرفه پدیدار می‌شود.^۴

موفقیت دولت افغانستان در خصوص تعیین سیاست‌های عمومی و تخصیص منابع و هزینه‌های عمومی، به‌ویژه در عرصه قراردادهای پیمان‌کاری، بر ایجاد و نهادینه کردن اصول پاسخ‌گویی، مشارکت اجتماعی و اظهارنظر مردم و شرکت‌های رقابتی وابسته است. ایجاد و اجرای اصول نام‌برده، منجر به ایجاد نظام سالم و حکومت‌داری خوب و حاکمیت قانون

۱. سید مسعود، نظام اقتصاد بازار در افغانستان، جفای نابخشودنی در حق ملت، مصاحبه با خبرگزاری صدای افغان (آوا)، ۳/۱۰/۱۳۹۰.

2. Good Governance.

3. Rule of Law.

۴. محمدی تمکی، عبدالعلی، حقوق اداری افغانستان، تهران، انتشارات عرفان، ۱۳۹۰، ص ۳۲۷.

می‌شود. شرکت‌های پیمان‌کاری باید در چارچوب قانون و قراردادی فعالیت کنند که حافظ حقوق و منافع عمومی باشد، نه در راستای منفعت شخصی و گروهی. این اصول و سازوکارها می‌تواند مانع از تلاش و تکاپوی شرکت‌های ویژه برای تصاحب قراردادهای پیمان‌کاری دولتی شده و به نیروی بازار آزاد و رقابتی این امکان را می‌دهد که قیمت‌ها و دست‌مزدها را تعیین کنند و در کل شرکت‌ها اجازه ورود و خروج به بازار را پیدا می‌کنند. دولت نیز با به‌کار بستن این اصول قادر می‌شود تا از طریق ارائه اطلاعات^۱ و تأسیس نهادها و از میان برداشتن حکومت‌داری بد و ضعیف، با فساد مبارزه نموده و کمک فراوانی به کاهش هزینه‌های قراردادهای پیمان‌کاری نماید.

فساد اداری و ناتوانی مدیریتی در نهادهای دولتی یکی از موضوعات مهم و جدی است^۲ که با حکومت‌داری، و به‌ویژه حاکمیت قانون، ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ بدین توضیح که همان‌گونه که حکومت‌داری از طریق مجاری پیچیده‌ای مستقیم و غیرمستقیم بر رفاہ و کیفیت زندگی تأثیر دارد، فساد نیز از طریق مجاری مستقیم و غیرمستقیم که شناخت‌شان نیز ساده نیست، بر وضعیت زندگی اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد. گسترش و بهبود حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت و حاکمیت قانون که از مؤلفه‌های حکومت‌داری هستند، می‌تواند کیفیت زندگی مردم کشور را ارتقاء دهد، و برعکس ضعف هریک از مؤلفه‌های مزبور نیز به تنزیل کیفیت زندگی مردم منجر خواهد شد.^۳

۶. شفافیت و پاسخ‌گویی در مصرف بودجه ملی

شفافیت و پاسخ‌گویی در تخصیص و استفاده از بودجه ملی یکی از ارکان بنیادی حکومت‌داری خوب است. پاسخ‌گویی در مدیریت هزینه‌های عمومی و بیت‌المال، مستلزم وجود شرایط زیر است:

۱. به‌موجب فقره (۱) ماده دهم قانون دسترسی به اطلاعات: «ادارات مکلف‌اند به منظور تأمین حق دسترسی اتباع به اطلاعات، مرجع مسؤوّل اطلاع‌رسانی را مشخص نمایند.»
۲. آریافر، عزیز، ریشه‌های ناکامی و شکست پروژه‌های ملت‌سازی و دولت‌سازی در افغانستان، چاپ دوم، کابل، انتشارات کاوه، ۱۳۹۵، ص ۳۸۰.
۳. استراتژی و طرزالعمل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری، کابل، ۱۳۸۵.

۶-۱. وجود بودجه جامع

بدین معنا که بودجه در وهله نخست باید فعالیت‌های دولت را به‌طور جامع تحت پوشش قرار دهد. افغانستان به‌عنوان کشوری که به تازگی از بحران بیرون شده است، که آن‌هم با تردید باید نگرسته شود، در این زمینه همواره با مشکلات شفافیت بودجه مواجه بوده است؛ زیرا گاهی در تعدادی از دستگاه‌های اجرایی بودجه انکشافی به‌قدری زیاد تصویب و تخصیص داده شده است که اداره مزبور از مصرف نصف آن نیز عاجز بوده است، و تعداد دیگر از ادارات به کم‌بود بودجه برای اجرای طرح‌های انکشافی‌شان مواجه گردیده است.^۱ این بی‌دقتی در ارزیابی، تعیین و تصویب بودجه خود می‌تواند زمینه سوءاستفاده را در شرایطی به‌وجود آورد که هیچ‌گونه نظام مؤثری برای کنترل تعهدات و اجراءات ادارات دولتی در حوزه قراردادهای پیمان‌کاری نیز در این کشور وجود ندارد.

۶-۲. شفافیت در استفاده از بیت‌المال

راه‌کاری که برای ایجاد شفافیت در استفاده از سرمایه ملی وجود دارد و از آن استفاده می‌شود این است که در گام نخست باید چارچوب‌های استراتژی مصرف بودجه هر اداره و در کل دولت باید مشخص شده و تعریف گردد؛ زیرا بر اساس همین چارچوب‌های استراتژیک بودجه سالانه تدوین می‌گردد. اطلاع‌رسانی و نشر چگونگی استفاده از هزینه‌های عمومی گام بعدی برای تنویر افکار عمومی جامعه می‌باشد.^۲

۶-۳. رقابتی بودن تدارکات (مناقصات) دولتی

رقابتی بودن تدارکات یا مناقصات دولتی، به‌ویژه قراردادهای پیمان‌کاری دولتی، از ویژگی‌های مهم یک دولت پای‌بند به اصل شفافیت و مشارکت است؛ زیرا کاهش فساد مستلزم پیروی جدی از معیارهای شفافیت، مناقصه رقابتی برای قراردادهای عمده و به حداکثر رساندن حوزه مراقبت و نظارت عمومی است. دولت افغانستان هرچند با الگو گرفتن از دیگر کشورها این فرآیند را الکترونیکی ساخته است،^۳ اما به دلیل ناآشنایی اکثر

۱. وزارت مالیه، مسوده سوم طرزالعمل بودجه ملی، سال مالی ۱۳۹۱.

۲. به موجب ماده ۱۴ قانون دسترسی به اطلاعات، ادارات دولتی مکلف‌اند جزئیات خدمات مستقیم عرضه شده به مردم، وضعیت مالی اداره و ... حداقل سال یک‌بار نشر نمایند.

۳. نک به: وب‌سایت‌های اداره تدارکات ملی و وزارت خانه‌های دولت جمهوری اسلامی افغانستان.

مردم و حتی برخی شرکت‌های پیمان‌کار با این روند از یک‌سو، و خویش‌خوری‌های لگام گسیخته مقامات عالی‌رتبه دولتی از جانب دیگر، کارآیی و نقش این فرآیند را در مبارزه با فساد و کاهش آن، تحت‌الشعاع قرار داده است.

۴-۶. حساب‌رسی بیرونی مستقل

کشورهای در حال گذار از بحران و دارای نظام اقتصادی نوپا معمولاً برای حساب‌رسی از امورات اقتصادی و به‌ویژه مصرف بودجه انکشافی توسط دستگاه‌های اجرایی، سازمان و یا مؤسسه حساب‌رسی عالی تشکیل می‌دهند تا با حساب‌رسی مستمر و سازنده خویش‌نظام مدیریت مالی دولت را بهبود بخشیده و مؤثریت آن را در راستای انکشاف اقتصادی کشور افزایش دهد. افغانستان نیز در تشکیلات سازمانی خود اداره تحت عنوان «اداره عالی تفتیش و کنترل» دارد که کار بازرسی و حساب‌رسی را انجام می‌دهد، اما به‌علت فساد گسترده در سطوح بلند حکومتی (فساد کله‌گنده‌ها)، اداره مزبور کاری از پیش برده نمی‌تواند. نهادهای متعددی دیگری نیز در راستای مبارزه با فساد در طول پانزده سال گذشته ایجاد شد^۱ که دست‌آورد چشم‌گیری در این زمینه نداشته‌اند.

نتیجه‌گیری

علی‌الاصول دولت‌ها با استفاده از منابع مالی در چارچوب قوانین و مقررات نافذ ملی و با به‌کارگیری قالب قرارداد پیمان‌کاری در تلاش ارائه خدمات همه‌جانبه به شهروندان‌شان هستند. منظور از ارائه خدمات، صرفاً رفع نیازمندی‌های مؤقتی و زودگذر نیست، بلکه مفهوم وسیع آن که عبارت از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌باشد، مورد نظر است. دست‌یافتن به چنین نتیجه‌ای مستلزم برنامه‌ریزی حساب‌شده و دقیق دولت و طرح و اجرای آن‌ها در چارچوب سازوکارهای قانونی و حقوقی معتبر می‌باشد. علاوه بر این، نظارت بر اجرای قراردادها و پاسخ‌گویی مقامات دولتی از مدیریت هزینه‌های عمومی و بیت‌المال، نیاز مبرم جهت شفافیت و اثر بخشی خدمات عمومی و حرکت به سمت توسعه پایدار دانسته می‌شود.

۱. از جمله نهادهای مبارزه با فساد می‌توان از «اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری»، «مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری» و «شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد اداری» نام برد.

دولت افغانستان در شانزده سال اخیر که فرصت طلایی برای نایل شدن به رشد دوامدار و توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار را به دست آورده بود، در بهره‌گیری و بهره‌مندی از این فرصت جهت نیل به توسعه مؤفقیتی چندانی نداشته است. منظور از فرصت طلایی، سرازیر شدن حجم عظیمی از کمک‌های جامعه جهانی پس از سرنگونی طالبان در سال ۱۳۸۰ در این کشور است که در برخی گزارش‌ها کمک‌های نام‌برده با کمک امریکا به اروپا (طرح مارشال) پس از جنگ جهانی دوم مقایسه شده است. دلایل عمده این ناکامی را می‌توان در عوامل چون ضعف نهادی دولت، فساد لگام گسیخته در دستگاه‌های دولتی، نقش بیش از حد خارجی‌ها در مصرف پول‌های کمک شده، عدم حکومت‌داری خوب و حاکمیت قانون جست‌وجو و پیدا کرد.

با وجود تشکیل و قسماً تطبیق قراردادهای بزرگ پیمان‌کاری، نظیر اعمار جاده کابل-هرات، کابل- مزارشریف، بند آب‌گردان سلما، استخراج مس عینک، استخراج آهن از معدن حاجی‌گک، پروژه شهر جدید کابل و ده‌ها پروژه خرد و کلان دیگر که اکثراً توسط پیمان‌کاران خارجی به پیش برده شده است، نتایج مطلوب و مورد انتظار مردم را در پی نداشته و منجر به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی متوقعه نگردیده است. اما برعکس، با وجود تمام انتقادهای جامعه جهانی از فساد گسترده اداری در افغانستان و مشروط کردن کمک‌های مالی شان به مبارزه دولت علیه فساد، و هم‌چنین تلاش دولت در طرح و اجرای استراتژی مبارزه با فساد و پاره اقدامات عملی در این راستا، مانند بازنگری پیمان‌های وزارت دفاع ملی و برخی نهاد‌های دیگر و ایجاد مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری که اکثراً به تدارکات وابسته است، تا کنون توفیق قابل ملاحظه‌ای در این خصوص نداشته است.

با توجه به این که بی‌کاری ازدیاد یافته، فقر رو به گسترش است، پروژه‌های زیربنایی که اعمار گردیده بود، به دلیل وجود فساد در قراردادهای آن و عدم نظارت بر اجرای آن مطابق قانون و طرزالعمل تدارکات، در حالت تخریب است، برخی پروژه‌های زیربنایی دیگر نیز یا متوقف گردیده و یا اصلاً آغاز نشده است و ... به این نتیجه می‌رسیم که قراردادهای پیمان‌کاری دولتی در افغانستان نه تنها باعث رشد و توسعه کشور نگردیده، بلکه وسیله و ابزار سودجویی و ثروت‌مندی گروه‌های ذی‌نفوذ و زورمند گردیده و منشأ اصلی فساد در دستگاه دولت شناخته می‌شود.

منابع

کتاب‌ها

۱. آریافر، عزیز، ریشه‌های ناکامی و شکست پروژه‌های ملت‌سازی و دولت‌سازی در افغانستان، چاپ دوم، کابل، انتشارات کاوه، ۱۳۹۵.
۲. استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، ۱۳۹۱-۱۳۸۷.
۳. استراتیژی و طرزالعمل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری، کابل، ۱۳۸۵.
۴. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، دوره ۶ جلدی، نشر دیجیتال، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، جلد ۱.
۵. ایکاف، راسل، تفاوت میان رشد و توسعه، مجله تدبیر، شماره ۱۶۶، ۱۳۸۴.
۶. دانش، ضیا، موانع مبارزه با فساد اداری در افغانستان، کابل، ۱۳۹۲.
۷. دانش، سرور، حقوق اداری افغانستان، چاپ دوم، کابل، انتشارات دانشگاه ابن‌سینا، ۱۳۹۴.
۸. فاضلی، محمد، مقدمه‌ای بر سنجش فساد، تهران، معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
۹. فرج‌پور، مجید، فقر، فساد و تبعیض موانع توسعه در ایران، تهران، نشر رسا، ۱۳۸۳.
۱۰. قربانی، احمد، توسعه اقتصادی (جنگ و توسعه نیافتگی در کشورهای اسلامی)، تهران، نشر اندیشه روشن، ۱۳۹۵.
۱۱. میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر، حکم‌رانی خوب بنیان توسعه، تهران، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۲. محمدی تمکی، عبدالعلی، حقوق اداری، افغانستان، تهران، انتشارات عرفان، ۱۳۹۰.
۱۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، نشر زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

گزارش‌های تحقیقی

۱۴. گزارش ربع‌وار سرمفتش ویژه ایالات متحده امریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار)، ۲۰۰۸/۱۰/۳۰.
۱۵. گزارش تحقیقی شش‌ونیم طلوع نیوز در مورد قراردادهای تدارکات.
۱۶. گزارش‌های سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل، ۲۰۱۶.

۱۷. گزارش‌های سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل، ۲۰۱۵.
۱۸. گزارش توسعه انسانی برنامه انکشافی ملل متحد، ۲۰۱۵.
۱۹. گزارش هیأت بررسی قراردادهای تدارکاتی وزارت دفاع ملی، ۱۳۹۴/۱/۲۰، نشر شده در شبکه خبری طلوع.
۲۰. گزارش مؤسسه پژوهشی «لگاتوم» در مورد رتبه‌بندی کشورهای جهان از نظر شاخص رفا، ۲۰۱۶. قابل دسترس در: (www.donya-e-eqtasad.com).
۲۱. گزارش سازمان بررسی شاخص اجتماعی کشورهای جهان در آمریکا، قابل دسترس در: (<http://middleeastpress.com/slideshow/>) افغانستان در شاخص توسعه اجتماعی.
۲۲. ملک‌نژاد، ابوذر، مرکز خبرنگاری تحقیقی پیک، ۱۳۹۶/۱/۲۱، با استناد به گزارش هیأت حقیقت‌یاب فساد در وزارت ماف بین سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۳.
۲۳. نادری، عبدالقادر، تهیه و تدارکات، کابل، ۱۳۹۲.
۲۴. وزارت مالیه افغانستان، گزارش همکاری‌های انکشافی برای افغانستان، کابل، ۱۳۹۱.
۲۵. وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین افغانستان، مسوده پالیسی ملی کار، کابل، ۱۳۹۵.
۲۶. وزارت اقتصاد افغانستان، گزارش نهایی تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان، کابل، ۱۳۹۳.
۲۷. وزارت مالیه افغانستان، گزارش ارزیابی عدم مصرف بودجه انکشافی و تطبیق پروژه‌های زیربنایی، قابل دسترس در: (<http://dari.irib.ir/component/k2/item/4>) و روزنامه افغانستان، ۱۳۹۱/۹/۲۳.
۲۸. وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان، آمار مهاجرین افغانستان، قابل دسترس در: (<http://morr.gov.af/fa/page/2204>)
۲۹. وزارت اقتصاد افغانستان، ریاست پالیسی کار و ارتقای ظرفیت قوای بشری، گزارش ارزیابی اشتغال‌زایی پروژه‌های انکشافی، ۱۳۹۵.
۳۰. وزارت اقتصاد افغانستان، گزارش چگونگی تطبیق پروژه‌های انکشافی در سطح کشور، کابل، ۱۳۹۴.

سخن‌رانی و مصاحبه

۳۱. سید مسعود، نظام اقتصاد بازار در افغانستان، جفای نابخشودنی در حق ملت، مصاحبه با خبرگزاری صدای افغان (آوا)، ۱۳۹۰/۱۰/۳.

۳۲. سخن‌رانی محمد اشرف غنی در مجلس سنا، انتقاد از عدم مصرف بودجه انکشافی و بی‌کفایتی وزارت خانه‌ها، ۱۳۹۵/۸/۲۰.
۳۳. سخن‌رانی جنرال مراد، مرادعلی، فساد در قراردادهای تدارکات مواد خوراکی پولیس، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۷.
۳۴. سخن‌رانی جنرال مراد، مرادعلی در جمع مقامات و افسران وزارت مزبور، فساد در قراردادهای تدارکاتی وزارت امور داخله.

قوانین

۳۵. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲.
۳۶. قانون مدنی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵.
۳۷. قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات و اضافات بعدی.
۳۸. قانون تدارکات افغانستان، مصوب ۱۳۹۵.
۳۹. طرزالعمل تدارکات، مصوب ۱۳۹۶۵.
۴۰. قانون دسترسی به اطلاعات افغانستان، مصوب ۱۳۹۳.
۴۱. قانون اداره عالی تفتیش افغانستان، مصوب ۱۳۹۲.

منابع انگلیسی و پایگاه‌های اینترنتی

1. Nijat, Aarya, Governance in Afghanistan, An Introduction, Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU), Kabul, 2014
2. <http://morr.gov.af/fa/page/2204>
3. <http://dari.irib.ir/component/k2/item/4>
4. <http://parstoday.com/dari/news/uncategorised-i15001>
5. <http://abdulqader.blogfa.com/post/31>
6. <http://moi.gov.af/fa/news/69007>
7. <http://middleeastpress.com/slideshow>
8. <http://www.payam-aftab.com/fa/doc/article/25135>
9. www.donya-e-eqtesad.com
10. www.bbcpersian.com
11. <http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=28122>